

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

ژوئل پنوشه Joëlle Penochet

روزنامه نگار آزاد، محقق دانشگاهی

گردآوری و برگردان از: حمید محوی

۱۸ جولای ۲۰۱۲

از هیروشیما تا بغداد

کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده

در جنگ های معاصر



<http://stopua.blogfa.com/1387/06>

یادداشت:

هرچند در ربع سوم قرن گذشته، مبارزه ضد امپریالیستی به مفهوم مبارزه علیه امپریالیزم امریکا، به یمن مبارزات افتخار آفرین خلقهای ویتنام، کامبوج، لاوس و سایر نقاط جهان به جزء انفکاک ناپذیر وجدان مردم جهان مبدل شده بود، مگر از یک جانب تجاوز رهنانه و جنایتکارانه سوسیال امپریالیزم شوروی بر افغانستان و از جانب دیگر جنایاتی را که امپریالیزم به وسیله ارتجاع هار مذهبی در اقصا نقاط کره ارض به راه انداخت و به دوام آنها سقوط و اضمحلال شوروی سوسیال امپریالیستی، زمینه آن را به وجود آورد تا امپریالیزم در کل به مثابه یک سیستم، فرصت باز سازی و آرایش جدیدی را یافته به کمک آن عده از ایادی خودش که از سالیان سال به همین منظور تربیت یافته بودند، این بار از موضع به اصطلاح آزادی، حقوق بشر و دموکراسی وارد میدان شده، لشکر کشی ها، تجاوزات، اشغالگریها، کشتار ها و قتل های عام خویش را آزاد سازی و تأمین حقوق بشر تبلیغ نماید.

پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" که از بدو ایجاد تا اکنون و تا زمانی که در عرصه سیاسی حیات دارد، مبارزه علیه امپریالیزم و افشای جنایات آن را در اقصا نقاط جهان به مثابه بخشی از وظایفی که در اهداف خویش مطرح نموده، می داند؛ همان طوری که تا حال در برخی از موارد یگانه نهاد انترنیتی افغانها است که در ساحات مختلف من جمله مبارزه علیه امپریالیزم در سطح جهان و منطقه، این نبرد را به تنهایی پیش برده است، افتخار دارد که باز هم اگر نگوییم بین تمام رسانه های دری- پشتو زبان به جرأت گفته می توانیم در بین رسانه های افغانها، ابتکار نشر یکی از افشاء کننده ترین آثاری را که از جنایات اتمی امپریالیزم جنایت گستر امریکا و شرکاء پرده بر می دارد، در همکاری دایمی با همکار گرانقدر ما آقای "محو" و با ویراستاری جدید، منتشر می نماید.

امید است نشر اثر کنونی در کنار سایر آثار مشابه، وجدانهای خفته ای را که تا هنوز مدعی اند که گویا به کمک امپریالیزم قادر خواهند شد، تا جهان دیگر و حتا بهتری بسازند، از خواب مرگ امپریالیزم زدگی بیدار نموده با آمدن به سنگر مبارزه ضد امپریالیستی نه تنها در امر مبارزه به مردم جهان یار و مدد گار گردند، بلکه لکه ننگ همکاری با امپریالیزم و انجونیزم را نیز از دامن شان بزدایند.

اداره پورتال AA-AA

پیشگفتار



STOP THE CATASTROPHE

اگر جنگ دوم جهانی به شکست ارتش هیتلر و حزب نازی انجامید، با این وجود امروز با مشاهده تمام حوادث در صحنه بین المللی و حتی در زندگی روزمره نزد بیش از نود درصد ساکنین کره زمین، این طور به نظر می رسد که چنین پایانی به مفهوم شکست و نابودی قطعی اندیشه های هیتلر و نازیسم نبوده و گوئی چنین منازعاتی تنها بین رقباء صورت گرفته بوده است. و باز زائی نازیسم به نام نئو نازیسم (نازیست های جدید) چندان هم بی دلیل نبوده و تنها نام برای بازشناسی این هیولای بیمارآسا و نسل برانداز نیز نمی باشد.

احتمالا چنین تعبیری با آگاهی از طبیعت ددمنشانه نظام سرمایه داری بیش از پیش به اثبات می رسد. و ما باید مفهوم عمیق شعاری را که زبان زد تمام فرهیختگان جهان است درک کنیم و بدانیم که به راستی «نظام سرمایه دار دشمن نوع بشر» به چه معنایی است. آیا چنین شعاری برای تبلیغات حزبی و عقیدتی و گروهک بازی های تنگ نظران است، و یا این که حقیقتی راستین و اجتناب ناپذیر در آن نهفته است. این حقیقت کدام است؟ و مسئولیت هر یک از ما به عنوان عضوی از اعضای جامعه جهانی کدام می باشد؟

پرونده حاضر مجموعه ای از گزارشاتی را در اختیار شما می گذارد که نمونه ای بارز از جنایت علیه بشریت است: استفاده از سلاح هائی اورانیوم ضعیف شده توسط نظام سرمایه داری به سرکردگی ایالات متحده امریکا و یارانش.

حمید محوی

جون ۲۰۰۷

ژوئل پنوشه

از هیروشیما تا بغداد

ژوئل پنوشه

Joëlle Penochet

روزنامه نگار آزاد، محقق دانشگاهی

۳۱ اگست ۲۰۰۵

گردآوری و برگردان از: حمید محوی

<http://www.internationalnews.fr/article-12856670.html>

گسترش سلاحهای اورانیوم ضعیف شده،

مصیبت بهداشتی،

مناطق که از نقشه جغرافیائی

حذف خواهند شد

<http://stopua.blogfa.com/1387/06>

قسمت اول



« تمدن ماشینی به آخرین مرحله توحش خود رسیده است.
از این پس و در آینده ای کمابیش نزدیک می باید بین
خودکشی دسته جمعی و استفاده هوشمندانه از پیروزی
های بشر، دست به انتخاب زد.»
آلبر کامو در فردای هیروشیما
در روزنامه مبارزه، ۸ اگست ۱۹۴۵

شصتمین سالگرد

هیروشیما و ناکازاکی در امریکا

شصتمین سالگرد هیروشیما و ناکازاکی در امریکا در کمال احتیاط برگزار شد، و در فرانسه نیز رسانه ها کمتر شهادت داشتند تا از برداشت ها و تفاسیر رسانه های رسمی در رابطه با چنین واقعه ای فاصله بگیرند و به حادثه ای بپردازند که جهان را به اوج بربریتی سوق داد که در تاریخ بشریت بی سابقه بود. در سال ۱۹۹۱ یعنی دقیقاً در پایان جنگ سرد که تعادل وحشت آمیزی را حفظ کرده بود، جنگ اتمی جدیدی آغاز شد. ولی این جنگ در سکوت و با تنهایی جامعه بین المللی به راه افتاد. این جنگ اتمی جدید در واقع علیه کشورهای بی دفاع به راه افتاد تا به بلند پروازی های ستراتیژیک امریکا جامعه عمل بپوشاند.

و باید دانست که در کوران چنین جنگ هائی به شکل گسترده از سلاح هائی استفاده شد که اورانیوم ضعیف شده نامیده اند. اورانیوم ضعیف شده چیزی نیست به جز زباله اتمی که فوق العاده مسموم کننده است. این زباله اتمی محیط طبیعی را برای چند میلیارد سال آلوده می سازد و نزد مردمانی که در مجاورت این ماده زندگی می کنند انواع و اقسام سرطان، لوسمی، تخریب سیستم تولید نسل و تولد هیولائی و نتایج آن روی خصوصیات ارثی ژنتیک را موجب می گردد که غیر قابل ترمیم است. به همان شکل که آلودگی تحت تأثیر آزمایشات اتمی و سوانحی نظیر چرنوبیل، اورانیوم رقیق شده مرز مشخصی ندارد و مردم نیم کره شمالی عناصر اکسید اورانیوم را از سال ۱۹۹۱ تنفس می کنند. در عراق، در یوگوسلاوی و در افغانستان...

هیروشیما : انقلاب علمی

۵ سپتمبر ۱۹۴۵ دیلی اکسپرس Dally Express

اولین روزنامه نگاری که پس از واقعه

به هیروشیما راه یافت

ویلفرد بورشت Wulfred Burchett



«در هیروشیما، سی روز پس از انفجار اولین بمب اتمی که تمام شهر را به تل خاکستر بدل کرد و جهان را نیز در بهتی عظیم فرو برد، افرادی که از جهنم آنی جان سالم به در برده بودند، به شکل دیگری به حال مرگ افتادند. مرگی اسرارآمیز، دهشتناک و ناشناخته که هیچ اسمی برای آن پیدا نمی کنم مگر طاعون اتمی. بی هیچ دلیل روشنی مریض می شوند. بی اشتیائی، ریزش مو، ظاهر شدن لکه های کبود روی اعضای بدن. و سپس از ناحیه دهان و بینی و گوش و... خونریزی می کنند.»

۸ اگست ۱۹۴۵ روزنامه لوموند Le Monde تخریب کامل و آنی هیروشیما را به عنوان «انقلاب علمی» قلمداد کرد.

نابود ساختن دو شهر ژاپنی و «به حالت تبخیر در آوردن» ساکنین آنها (۱۰۰۰۰۰ نفر در هیروشیما و ۵۰۰۰۰ نفر در ناکازاکی) تا مدت ها به عنوان خشونت ضروری برای پایان بخشیدن به جنگ جهانی دوم معرفی می شد.

امروز حتی روزنامه «نول ابرواتر» **Le Nouvel Observateur** که به محافل صنعتی وابسته است، اعتراف می کند که چنین جنایاتی علیه بشریت بیهوده بوده است و مفهوم واقعی آن را باید در منافع امریکا و به طور مشخص در خنثی ساختن اتحاد جماهیر شوروی (که به امریکا قول داده بود علیه جاپان وارد جنگ شود) و آغاز جنگ سرد جست و جو کرد. در واقع رئیس جمهور ترومن **Truman** از سوی سرویس های اطلاعاتی آگاه شده بود که تا تسلیم شدن جاپان چند روز بیشتر باقی نمانده است. ولی انفجار دو بمب روی شهرهای جاپانی فرصتی بود برای آزمایش بمب اورانیوم و بمب پلوتونیوم در موقعیت واقعی و در عین حال نمایشی بود از قدرت مطلقه امریکا در مقابل جهانیان.

امروز حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر در جاپان هنوز از تأثیرات تشعشعات اتمی رنج می برند و آن چه بیش از همه ندیده گرفته شده، بعد روانی آن است. مقامات رسمی جاپان تمایلی به طرح چنین مسائلی ندارند و «ایباکوشا» **Ibakusha** یعنی افرادی که تحت تأثیر تشعشعات اتمی هستند گویی که به جامعه جاپانی تعلق ندارند. در سال ۱۹۵۰ تعداد قربانیان بمباران اتمی در هیروشیما به دو برابر رسید (۲۰۰۰۰۰) و در ناکازاکی به سه برابر افزایش پیدا کرد (۱۴۰۰۰۰). بمباران های «درسدن» (در المان) در ۱۳ و ۱۴ فبروری ۱۹۴۵ (۱۳۵۰۰۰) و یا توکیو در ۱۰ مارچ که زیر بمب های آتش زای امریکا به خاکستر تبدیل شده بود بین ۸۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ کشته بر جای گذاشت هیچ کدام توجیهی نظامی نداشت. با این وجود تفاوت این نوع بمباران ها با بمباران اتمی که در ۶ اگست ۱۹۴۵ به وقوع پیوست، این است که تشعشعات اتمی هنوز پس از پایان جنگ قربانی می گیرد.



بازمانده سه چرخه کودک ژاپنی
که در انفجار بمب اتمی در هیروشیما کشته شده است

اورانیوم ضعیف شده : جنگ نوین اتمی

لورن موره **Leuren Moret** متخصص تشعشعات اتمی، جولای ۲۰۰۴ می گوید :

«...ایالات متحده آمریکا و متحدان نظامی اش علیه کشورهایی که می خواستند تحت سلطه خود در آورند با به کار بستن بمب ها و سلاح های کثیف، چهار جنگ اتمی به راه انداختند. این تسلط از راه پراکندن گردهای معلق در هوا تحقق پذیرفت، اورانیوم ضعیف شده به شکل دائمی مناطق گسترده ای را مسموم خواهد کرد و مردمانی را که در این مناطق زندگی می کنند از حق وراثت ژنتیک خود محروم خواهد ساخت. و به این ترتیب است که حاکمیت ایالات متحده آمریکا و یارانش تثبیت می شود.»

پس از آزمایشات سلاح های اورانیوم ضعیف شده در صحنه واقعی جنگ در خلیج فارس، به سال ۱۹۹۱، به کار بستن این نسل از سلاح های اتمی به حالت عادی و رایج در آمد و در بی تفاوتی عمومی گسترش یافت. هر جنگ جدید «بشر دوستانه» (بوسنی، کزووو، افغانستان...) فرصت تازه ای بود برای آزمایش سلاح های جدید با توان تخریبی بیش از پیش عظیم تر.

مسموم شدن مناطق به اورانیوم ضعیف شده تا چندین میلیارد سال دوام خواهد آورد و نتایج آن برای مردمانی که در این مناطق و در مجاورت آن زندگی می کنند عبارت است از : افزایش سرطان، لوسمی (لوکمی که از جمله سرطان های علاج ناپذیر است)، بیماری های متعدد دیگر، و مختل ساختن سیستم تولید نسل و تولد هیولائی... (مترجم : کمابیش مشابه با آنچه به نام کودکان دی اکسین در آسیای دور مشاهده می کنیم)

آلبرت سپر **Albert Speer** وزیر جنگ در زمان هیتلر به سال ۱۹۴۳ قصد داشت برای ساخت بمب هایش به جای تونگستن **Tungstène** که دیگر نمی توانست از کشور پرتگال وارد کند، ماده اورانیوم را به کار ببندد. از سوی دیگر مقامات طرح مانهاتان نیز قصد داشتند برای ساخت بمب هایشان از اورانیوم استفاده کنند. هدف آنها از ایجاد چنین سلاحی وارد آوردن بیشترین خسارات و تلفات به مردم کشور متخاصم بود.

لورن موره توضیح می دهد که « هدفشان این بود که از اورانیوم به عنوان گاز جنگی استفاده کنند، به این ترتیب که آن را به شکل عناصر میکروسکوپی در سطح زمین پراکنده ساخته و سپس آن را به آتش ببندند. جراحاتی که از این راه می تواند به افراد وارد می شود، حتی امروز با تمام امکانات پزشکی موجود نیز علاج ناپذیر است. چنین رؤیائی پنجاه سال بعد جهت برتری نظامی امریکا تحقق پذیرفت.»

در حال حاضر سلاح های اورانیوم ضعیف شده به دلیل خصوصیات آن واجد دو برتری نظامی است. اولاً این سلاح های در هر جداری نفوذ می کند و آتش زاست. به راحتی در بدنه زره پوش و تانک نفوذ کرده و آن را کاملاً به آتش می کشد. چنین گلوله هایی جزء تجهیزات تانک آبرام است.



تانک آبرام ام یک آ یک

مضافا براین که در جدار پناهگاه های بتونی و بونکرهای زیر زمینی به قطر چندین متر نیز نفوذ می کند (با توجه به نوع بمب و نوع استحکامات). و برتری دوم این سلاح های در این نکته نهفته است که ساخت آن به بهای بسیار نازلی تمام می شود.

اسلحه کلاسیک

یا

زباله اتمی باز سازی شده

از نظر کیمیائی مسمومیتی که اورانیوم ضعیف شده تولید می کند دو برابر دیگر فلزات سنگین است. ولی قویا مسمومیت رادیوآکتیو تولید می کند. اورانیوم ضعیف شده عبارت است از زباله رادیو آکتیو که از اورانیوم غنی شده برای رآکتورهای نظامی و غیر نظامی به کار می برند، (در بمب ها اورانیوم غنی شده تا ۹۹.۷۵٪ اورانیوم ۲۳۵ به کار می برند). عموما حاوی تقریبا ۹۹.۷۵٪ اورانیوم ۲۳۸ و حاوی ۰.۲٪ اورانیوم ۲۳۵ است. آن را اورانیوم ضعیف شده می نامند زیرا فعالیتش نازل تر از اورانیوم طبیعی است، ولی چنین مقایسه ای به هیچ عنوان به این معنا نیست که خطر کمتری برای سلامتی انسان و محیط زیست دارد.

در واقع اورانیوم طبیعی به مقدار ۱ تا ۳ در میلیون در طبیعت وجود دارد، در حالی که مواد معدنی هزار بار غلیظتر است. (اورانیوم طبیعی وقتی که تنها حاوی ایزوتوپهایی است که در طبیعت وجود دارد، در کل ۱۴، که تمامشان رادیو آکتیو هستند یعنی اورانیوم ۲۳۸، اورانیوم ۲۳۵، و اورانیوم ۲۳۴). تنها اورانیوم ۲۳۵ که حاوی ۰.۷۲٪ از اورانیوم طبیعی می باشد (این رقم بر اساس منطقه تغییر می کند) شکسته می شود. اورانیوم ضعیف شده به شکل مضاعف مسموم کننده است: از نظر کیمیائی مانند فلزات سنگین دیگر (سرب، آرسونیک...) موجب مسمومیت می شود، ولی به ویژه قویا دارای تشعشعات مسموم کننده است.

علاوه بر این، به جای تنزل پیدا کردن، فعالیت اورانیوم به دلیل تشکل سریع مشتقات آن در انفجار، طی زمان افزایش می یابد. اگر خاصه پرتوهای آلفا متصاعد می کند (با نفوذ اندک ولی با پرتو افکنی بالا)، در حالت خالص، دو عنصر از مشتقات آن پس از چند ماه ظاهر می شود، توریم (توریم ۲۳۴) و پروتاکتینیوم (۲۳۴) که فرسوده هائی هستند که زندگی کوتاهی دارند (۲۴ روز و یک دقیقه و چهار ثانیه)، بتا و گاما در نتیجه نفوذ زیادی دارند. اورانیوم ضعیف شده که در سلاح های به کار می رود در صورتی که با اورانیومی که محصول فعالیت مراکز غنی سازی و حاوی اتمهای شکسته شده مخلوط شود که قویا رادیو آکتیو است، مثل اورانیوم ۲۳۶ و پلوتونیوم ۲۳۸ و ۲۳۹ و تکنیتیوم ۹۹ Technétium یا روتنیوم ۱۰۶ Ruthénium خطرناکتر و مسمومیت آن نیز بیشتر خواهد بود. بر این اساس، فعالیت اورانیوم ضعیف شده چهار هزار برابر بیشتر از میزان قابل قبولی است که منشور حفاظت پرتو افکنی اعلام کرده است.

اسطوره جنگ پاک



اسباب بازی الکترونیکی که در بمباران جز غاله شده
متعلق به یک کودک عراقی بوده است

سلاح های نوین اورانیوم ضعیف شده از عناصر اسطوره جنگ پاک و جراحی کننده است، و آن را تنها به این علت در جنول سلاح های کلاسیک قرار داده اند که مثل بمب اتمی کلاسیک موجب به وجود آمدن آن قارچ غول آسا نمی شود.

ولی باید دانست که ضایعاتی که به وجود می آورد به همان اندازه مخرب و گسترده است. پس از آزمایشات اولی در سال های ۱۹۷۰ در لوس الاموس (در امریکا)، این سلاح های به شکل واقعی در جنگ علیه عراق به سال ۱۹۹۱ و سپس در سال ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ در بسنی و در سال ۱۹۹۹ در کوسوو و در صربیه و افغانستان آزمایش شد و تمام بمب های پروازشی در این جنگ ها حاوی اورانیوم رقیق شده بوده اند. پس از اعلان رسمی پایان جنگ خلیج، ارتش امریکا در طول سه روز بیش از یک میلیون بمب اورانیوم ضعیف شده به روی هزاران پناهنده و سرباز عراقی که در حال عقب نشینی روی جاده بصره بودند، پرتاب کرد (که البته نقض ماده ۳ قرارداد ژنو محسوب می شود). در میان شاهدان چنین قتل عامی کارول پیکو **Carole Picou** که از اعضای خدمات بهداشتی ارتش امریکا می باشد و خود او امروز در حد صد در صد معلول است، از فجیع بودن صحنه اتوبان مرگ گزارش می دهد و اجساد را به یاد می آورد که کاملاً سوخته و جز غاله شده بودند.

مسمومیت اورانیوم ضعیف شده

دو برابر است

به گفته پروفیسور **A.Durakovic** رئیس بخش پزشک هسته ئی در دانشگاه **Georgetown** در نیویورک مشاور پنتاگون :

«اورانیوم ضعیف شده در صورتی موجب مسمومیت می شود که به شکل غبار وارد دستگاه گوارشی و یا در دم و بازدم وارد بدن شود، در این صورت از هر سمی که تاکنون علم به شناخت آن نائل آمده، خطرناکتر است.» در حالی که خصوصیت کیمیائی مسموم کننده اورانیوم ضعیف شده پیوسته از جانب مقامات رسمی تکذیب شده است. پرتاب شونده های حاوی اورانیوم ضعیف شده، هنگام برخورد به هدف، تحت تأثیر اکسیژن آتش گرفته و حرارت

خارق العاده ای تولید می کند ۱۱۳۰۰ که ۱۰ تا صد در صدر اورانیوم را مبنی بر نوع بمب به حالت بخار در می آورد. وقتی که به روی زمین نشست می کند، به راحتی به حالت معلق در می آید. روشن است که باد و باران این مواد را در اطراف و در فواصل مختلف تا صدها کیلومتر با خود حمل می کند...مخازن آب زیر زمینی، آب، گیاهان و حیوانات (حیوانات را مبتلا به همان بیماری هائی می سازد که نزد انسان مشاهده می شود) و به طور کلی طبیعت و تمام زنجیر تولیدات غذایی را مسموم می سازد. آلودگی به اورانیوم ضعیف شده از سه راه امکان پذیر است : تنفس، و نوشیدن آب یا شیر و به طور کلی غذای آلوده، و از راه جراحت (اورانیوم ضعیف شده وارد جریان خون می شود). از راه تنفس از همه خطرناکتر است. مسمومیت کیمیائی در وحله نخست به کلیه مربوط می شود (و سپس کبد) و مسمومیت رادیو اکتیو به شش ها می انجامد.

...

نتایج یک گروه تحقیقاتی در شش منطقه در جنوب عراق نشان داده است که گیاهان سه برابر بیش از حد معمول رادیو اکتیو متصاعد می کنند. در این مناطق ۹۰۰۰۰۰ تن از گیاهان و یک سوم حیوانات آلوده شده اند. بین کودکان کمتر از پانزده سال که مورد آزمایش پزشکی قرار گرفته اند، ۷۰ درصد آنان در مجاورت تشعشعات آلوده شده اند. مردمانی که در مناطق بمباران شده زندگی می کنند محکوم به تحمل پرتوهای رادیو اکتیو هستند. تفاوت مردمان بومی و سربازان کشورهای اشغالگر در این است که مردم این مناطق در تمام طول زندگی خود در مجاورت آلودگی رادیو اکتیو خواهند بود، در حالی که سربازان پس از مدت کوتاهی به کشورشان باز می گردند. تفاوت دیگر آنها در این جاست که سربازان به محض باز گشت می توانند به شکل جامعه مدنی و در خواست غرامت کنند و سپس تحت معالجه قرار گیرند. در حالی که مردم بومی چنین مناطقی غالباً حتی از وجود چنین خطری ناآگاه هستند. بیمارستان های عراقی، یعنی بیمارستان هائی که از بمباران جان سالم به در برده اند، توان عملیاتی ندارند. پیش از دوران جنگ عراق واجد مدرنترین بیمارستان های منطقه بود و مجرب ترین پزشکان عراقی در آن جا فعالیت می کردند. بسیاری از این پزشکان مانند متخصصان و روزنامه نگاران سیستماتیک مان به شکل اسرار آمیزی به قتل رسیده اند.

جهانی شدن آلودگی رادیولوژیک



اگر چه سَمی بودن اورانیوم همواره از جانب مقامات رسمی تکذیب شده، با این وجود در سال ۱۹۷۴ گروه تحقیقاتی وابسته به وزارت دفاع امریکا در مورد مسمومیت مضاعف این ماده هشدار داده بود. زمانی که گلوله اورانیوم به هدف اصابت می کند، در مجاورت اکسیژن حرارت فوق العاده ای متصاعد می سازد (۵۰۰۰ درجه سانتی گراد) که موجب تأخیر ۱۰ تا ۱۰۰ درصد اورانیوم براساس نوع گلوله می شود. به این ترتیب هر گلوله ای که از یک تانک آبرام شلیک می شود بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ گرم غبار تولید می کند. براساس تحقیقات لئونارد دیتز **Léonard Dietz** تنها ۵ میکرون از این عنصر یعنی وزنی معادل ۳۰۰ بار بیشتر از حد مجاز برای کارکنان مراکز تولید انرژی هسته ای در طول یک سال. عناصر مولکولی غیر قابل حل و تخریب ناپذیر به علاوه مخلوطی از رادیو نوکلیدها **Radionucléides** در آتمسفر پراکنده می شوند. هنگامی که به زمین نشست می کنند، به راحتی به حالت معلق در آمده و سپس بر حسب جریانات طبیعی مثل باد و باران و عبور و مرور حیوانات و پرندگان تا ده ها و حتی صدها کیلومتر پراکنده می شود: زمین، آب و مخازن آب زیر زمینی، گیاه و حیوانات (به بیماری هائی مشابه نزد انسان مبتلا می شوند)، و تمام این موارد به این معنا است که زنجیره تولیدات کشاورزی و مواد غذایی کاملاً آلوده می شود. آلودگی منطقه خلیج فارس به همان شدتی است که بمباران های روباه صحرای ویلیام کلینتن در سال ۱۹۹۸ و حملات پیاپی در مناطقی که به شکل غیر قانونی توسط امریکا، انگلیس و فرانسه برای عراق ممنوع شده بود. و محاصره جنایتکارانه جامعه بین الملل در سال ۱۹۹۰ هر گونه اقدام پیشگیری کننده ای را در این زمینه ناممکن ساخت و مواد مولکولی با باد و باران در طول پانزده سال در حال پراکنده شدن هستند. کشورهای همسایه طبیعتاً از چنین فاجعه ای در امان نیستند.

نتایج چنین آلودگی در پی جنگ های پیاپی علیه یوگوسلاوی، افغانستان و عراق به دروازه های یونان رسیده است، اسرائیل، عربستان سعودی، پاکستان، ترکیه، سوریه، لبنان، البانی، مقدونیه، فلسطین، ایران، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، چین و هند. امروز پیشبینی ها حاکی از این امر است که آلودگی اورانیوم رقیق شده به سوی نیم کره شمالی در حال گسترش است و به زودی تمام کره زمین را احاطه خواهد کرد.

AIEA مرگ بیش از نیم میلیون نفر

را در عراق پیشبینی می کند



آلودگی محیط زیست برای بومیان منطقه در حال توسعه است. برخی مناطق جنوبی عراق (مناطق کشاورزی آبیاری شده که تقریباً در چنین سرزمین خشکی نادر به نظر می‌رسد) بر اساس آمار ابتلا به سرطان ۷۰۰ درصد و تولد کودکان معلول ۴۰۰ درصد و ابتلا به لوسمی (لوکمی) ۳۵۰ درصد افزایش داشته است. افزایش وضع حمل نابه هنگام توسط زنان باردار و تولد اطفال مونگلولی به شدت افزایش پیدا کرده است، حتی در بین بانوان کمتر از ۲۵ سال. کودکانی که با باقیمانده سلاح های منفجر شده بازی کرده اند، همگی به لوسمی مبتلا شده و مرده اند. دوره آشکار شدن آن چند سال به طول می انجامد. آژانس بین المللی انرژی اتمی پیشبینی می کند که تحت تأثیر یک میلیون گلوله اورانیوم در سال ۱۹۹۱ یعنی بین ۳۵۰ تا ۸۰۰ تن اورانیوم (براساس بنیاد **Leake d'Amsterdam**). در چند سال آینده باید در افغانستان و بالکان شاهد نتایج مشابهی باشیم.

سلاح های کشتار جمعی در حال توسعه :



سلاح های کشتار جمعی با شارژ اورانیوم ضعیف شده در رده سلاح های قراردادی یا کلاسیک (غیر اتمی) دسته بندی شده است. در حال حاضر چندین کشور در حال گسترش چنین سلاح هایی هستند در فرانسه ۲۱۰۰

آزمایش در فضای باز در منطقه **Gramat** در **Lot** انجام گرفته است و دربورژ **Bourges**

فرصتی تازه برای صنایع هسته ای :

مبدل ساختن کشورهای محکوم شده

به زباله دانی رایگان

برای زباله های رادیو اکتیو

استفاده نظامی از اورانیوم برای صنایع هسته ای که در سال ۵۰۰۰۰۰ تن از این زباله ها تولید می کنند، گشایش بسیار مطلوبی به نظر می رسد. ذخیره جهانی حدوداً بالغ بر یک میلیون و نیم تن می شود که ۷۰۰۰۰ تن از آن در ایالات متحده امریکا است.

کشورهای اتمی با حمله به برخی کشورها بخش قابل توجهی از ذخایر خود را به رایگان و به شکل بمباران صادر می کنند که نگهداری از آنها بسیار گران تمام می شود، و به این ترتیب این کشورها و مناطق را به زباله دانی اتمی و مجانی مبدل می سازند. با این حساب که عمر اورانیوم چهار و نیم میلیارد سال است.

کویت برای پاک سازی کشور کم وسعت خود تا کنون ۱۴ میلیارد دلار خرج کرده است (با نتایج ناچیز). امریکائی ها برای پاک سازی ۲۳ تانک خودشان سه سال وقت گذاشتند و چهار میلیون دلار هزینه کردند. در حالی که پنج هزار تانک عراقی که در طول جنگ تخریب شده بود، قویا رادیو آکتیو بوده و هنوز بر جا مانده است. با آگاهی به این امر که در فیروزی سال ۲۰۰۳ امریکائی ها در مورد مناطق آلوده شده از خود سلب مسئولیت کردند. خسارات وارد آمده به محیط زیست غیر قابل ترمیم هستند. در افغانستان طوفان ریگ از تمام کشور عبور کرده و دائما آلودگی ها را به رودخانه ها منتقل می سازد. رود کابل و رود سند از پاکستان عبور می کند و از ذخایر آب کشاورزی و آب آشامیدنی به شمار می آید. تیم های «هسته نی – بیولوژیک – کیمیا» جهت اندازه گیری درجه آلودگی در افغانستان حضور پیدا کردند ولی گروه خبرنگارانی را که تا پیش از ورود آنها در کنار متفقین کار می کردند، محبوس کردند.

در اکتوبر سال ۲۰۰۱ پزشکان افغان مرگ سریع عده ای را که درجه آلودگی شان بسیار بالا بوده است، اعلام کرده اند.

سکوت و تحریف و سانسور اورانیوم ضعیف شده

فقدان بررسی، تحریف و سانسور



گزارشات سازمان ملل متحد برای حفظ محیط زیست (PNUE) درباره موضوع آلودگی رادیو اکتیو در کزووو Kosovo در آغاز امر از ۷۲ صفحه به ۲ صفحه کاهش پیدا کرد! در نوامبر سال ۲۰۰۰ هیأتی از PNUE (سازمان حفظ محیط طبیعی وابسته به سازمان ملل متحد) مأموریت بازرسی از ۱۱ (یازده) منطقه از ۱۱۲ (صد و دوازده) منطقه در کزووو را به عهده داشت که در سال ۱۹۹۹ توسط نیروهای OTAN [ناتو به زبان اسپانوی] بمباران شده بود. این بازرسی تحت نظارت مسؤولان ناتو انجام گرفت و در مناطقی که آنها انتخاب کرده بودند، از شانزده ماه پیش با دقت کامل توسط ده اکیپ پاکسازی های لازم را تا جایی که برایشان ممکن بود، انجام داده بودند. پس از بررسی ۳۵۵ نمونه براداری از خاک، آب، گیاهان و شیر، هیأت بازرسی PNUE نتیجه را اعلام کرد که بر

اساس آن تشعشعات رادیو اکتیو پیرامون مراکز بمباران شده ضعیف است و آلودگی به غبارهای اورانیوم نیز به همین نسبت ناچیز به نظر می رسد. با وجود پلوتونیوم موجود در بمب های به کار برده شده، هیأت بازرسی اعلام کرد که نتایج اخطار کننده نیست. با این وجود، خطر آلودگی آبهای زیر زمینی و آب آشامیدنی را تأیید کرد که تحت تأثیر سلاح هائی مدفون شده ممکن است آلودگی آنها به ده برابر و حتی صد برابر افزایش پیدا کند. از جانب دکتر **Chris Busby** کریس بازبی که متخصصی با اعتبار جهانی است در کتابی به نام «بال های مرگ» درباره تشعشعات ضعیف، که نتایج بررسی های او مورد تأیید **Royal society de Londres** (جامعه سلطنتی لندن) قرار گرفت، گزارش می دهد که در ژاکوا **Jacova** آلودگی رادیواکتیو صد برابر بیشتر از حد معمول است و ده برابر توریم **Thorium** (از مشتقات اورانیوم) بیشتر از اورانیوم ضعیف شده است. پس از بمباران افغانستان **PNUE** سازمان حفظ محیط زیست وابسته به سازمان ملل متحد، جهت ارزیابی درجه اورانیوم ضعیف شده در مناطق بمباران شده از **OMS** سازمان جهانی بهداشت در خواست بودجه کرد ولی پاسخی از جانب **Gro Harmel Brundtland** که ریاست آن را به عهده داشت دریافت نکرد. بنا به اظهارات **Robert J. Parsons** به تأخیر انداختن چنین موردی از این جهت بود که عوارض قربانیانی که قویاً آلوده شده بودند بسیار مشاهده می شد و علاوه بر این دو دهه جنگ مردم منطقه را از نظر بهداشتی در موقعیت شکننده ای قرار داده بود. دولت هائی که باعث و بانی چنین جنایاتی هستند پیوسته اثرات جرم و کاربرد سلاح های کشتار جمعی و تأثیراتشان را در لفافه ای از سرب پنهان می کنند. ناتو در سال ۲۰۰۰ اعلام کرد که افکار عمومی جهانی ممکن است در برخورد با استفاده از سلاح های رادیو اکتیو، عکس العمل منفی نشان دهد...

به این ترتیب شاهد سانسور رسانه هائی هستیم که غالباً وابسته به صنایع نظامی هستند مثل **France Serge** **Dassault** و **Matra Lagardère** و یا در صنایع ساختمان مثل **Bouygues** که اورانیوم ضعیف شده را ماده ای کاملاً معمولی می دانند. چنین سکوتی به کشورهای مسؤول بمباران ها و آلودگی ها اجازه می دهد تا از مخارج پاکسازی شانه خالی کنند و به خصوص ساخت و کاربرد سلاح هائی از این دست را امری عادی جلوه دهند که تا مدت ها پیش از جنگ در خلیج فارس تابو به حساب می آمد. کشورهائی که هدف بمباران قرار گرفتند و به همین گونه سربازانی که در چنین جنگ هائی شرکت داشتند، هیچ کدام از خطر آلودگی مطلع نشدند. استفاده از اورانیوم ضعیف شده در جنگ خلیج ۱۹۹۱ تنها هشت ماه بعد از جنگ، توسط روزنامه های بریتانیائی آشکار شد. هیچ یک از روزنامه فرانسوی از به کار بستن اورانیوم رقیق شده حرفی نزدند. از ۵۸۰۰۰۰ (پانصد و هشتاد هزار) سرباز امریکائی که در جنگ خلیج شرکت داشتند ۳۲۵۰۰ (سیصد و بیست و پنج هزار) نفر از آنها دچار عوارض دائمی شده اند، و ۱۱۰۰۰ (یازده هزار نفر) کشته شده اند یعنی با ریت ۱۴۰ سرباز در ماه ده سال پس از مداخله در خلیج بیش از نیمی از سربازان دچار عوارض دائمی شده اند. در حالی که در منازعات قرن گذشته چنین عوارضی در حد ۵ درصد (در ویتمام ۱۰ درصد) بوده است. بر اساس تحقیقات جامعه رزمندگان قدیمی نشان می دهد که پس از جنگ خلیج ۶۷ درصد از اطفالی که به دنیا آمده اند، نقص عضو داشته اند. روزنامه مستقل آنها اعلام می کند که ۴۰ درصد از سربازانی که در حمله سال ۲۰۰۳ شرکت داشتند، شانزده ماه پس از بازگشت، دچار عوارضی شدند که نمایانگر منتهی شدن آنها به سرطان است. جوامع مدنی سربازان امریکائی مثل **Veterans For Peace** (**VFP**) علیه کاربرد سلاح های رادیو اکتیو و برای صلح فعالیت می کنند.

Ramsey Clark : «برای جلوگیری قطعی ساخت و استفاده از چنین سلاح هائی، باید اردوگاه اطلاعاتی سراسری در تمام جهان ایجاد کرد زیرا سرنوشت بشریت بدان بستگی دارد.»

با این وجود بر اساس قوانین بین المللی نظارت بر سلاح ها، اورانیوم ضعیف شده که کیمیائی و در عین حال اتمی می باشد، غیر قانونی است:

((conventions de La Haye de 1899 et 1907, de Genève de 1925 et 1949, Charte de Nuremberg de 1945, convention des Nations-Unies du 10 octobre 1980, dite « Convention des armes inhumaines »))

به این علت که درد و رنج و خسارات بی فایده به بار می آورد و قابلیت تفکیک نیز ندارد و محیط زیست را برای دراز مدت آلوده می سازد، مثل مین که سال ها پس از منازعات قربانی می گیرد. استفاده از این سلاح ها در بیانیه اگست ۱۹۹۶ ، n° ۱۶/۹۶ حقوق بشر در سازمان ملل متحد محکوم شده است. از سوی دیگر پارلمان اروپا در جنوری ۲۰۰۱ کاربرد چنین سلاح هائی را منع کرده است (ولی در ساخت آن ممنوعیتی اعلام نکرده است).

بسیاری از شخصیت های بین المللی مثل روزالین برتل **Rosalie Bertell** متخصص کاندائی بیماریهای مسری و بیماریهای رادیو اکتیو (جایزه نوبل ۱۹۸۶) و رامسی کلارک **Ramsey Clark** مشاور سابق دولت امریکا در امور قضائی و وکیل بین المللی و بسیاری از جوامع امریکائی و به همین گونه در فرانسه تلاش می کنند تا افکار عمومی جهان را به چنین موضوعی جلب کنند «ممنوعیت بین المللی و بی قید و شرط پژوهش، تولید، آزمایش، حمل، نگهداری و کاربرد اورانیوم ضعیف شده در امور نظامی و بازشناسی آن به عنوان رادیو اکتیو خطرناک. پاکسازی مناطق آلوده و معالجه افراد آلوده شده.»

اگر چنین فراخوانی در سطح جهانی انعکاس پیدا نکند، بیش از پیش مناطق از صحنه جهانی و کره زمین حذف خواهند شد و به زباله دانی رادیو اکتیو تبدیل می گردد و مردمان این مناطق نیز به مرگی آرام محکوم خواهند شد. و سرانجام همین مصیبت گریبانگیر تمام مردم جهان خواهد شد.

درباره نوزادان معلول مادرزادی



دکتر محمد میراکی **Mohamed Miraki** در «Perpetuel Death from America» «مرگ دائمی صادره از امریکا» از یک فرد افغان نقل قول می آورد که : «اگر ما را تنها یک بار می کشتند، چندان اهمیتی نداشت، ولی آنها در حال نابود کردن ما برای چندین نسل آینده هستند.»

تثبیت اورانیوم رقیق شده روی جنین زن باردار رشد آن را دچار اختلال می کند و موجب تولد نوزادانی معلول مادرزادی می شود که هرگز دیده نشده و یا بسیار نادر بوده است. به این ترتیب بسیاری از این اطفال بدون سر به دنیا می آیند، بدون عضو (مثل قربانیان تالیدومید **Thalidomide** در سال های ۵۰) ...وقتی یک زن عراقی بچه ای به دنیا می آورد، اولین سؤال او این نیست که دختر است یا پسر بلکه می پرسد آیا کودک من معمولی ست یا ...

STOP UA !

گاهنامه هنر و مبارزه

پاریس، ۱۶ جون ۲۰۱۲